

۲) نصیحة اهل الحدیث، نگاشته‌ای در آداب الحدیث

احمد براریان^۲

کتاب «نصیحة اهل الحدیث» نوشته ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، معروف به «خطیب بغدادی» از دانشمندان مشهور شافعی است. سال ۳۹۲ق و اطراف بغداد، زمان و مکان تولد وی بوده و بیشتر عمر خود را در همین شهر گذراند. او برای اخذ حدیث به شهرهای گوناگونی مانند نیشابور، اصفهان، بصره، دمشق و ... سفر کرد. در پایان به بغداد بازگشت و سال ۴۶۳ق در همان شهر، وفات یافت.

خطیب بغدادی از استادانی چون ابوحامد اسفراینی (۴۰۶ق)، ابوبکر برقانی (۴۲۵ق) و ابونعیم اصفهانی (۴۳۰ق) بهره برد. او نگاشته‌های بسیاری در تاریخ، حدیث، فقه، اصول، عقاید، اخلاق و ادبیات دارد؛ اما نوشتارهای تاریخی و حدیثی وی مشهورتر و کتاب «تاریخ بغداد»، شاید، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین اثرش باشد. بیشتر کسانی که شرح حال خطیب را نوشته‌اند بر جایگاه والای علمی او به‌ویژه در قلمرو حدیث اهل سنت، تأکید کرده‌اند. «تاریخ بغداد» او نیز پر از آموزه‌ها و گزاره‌های حدیثی است.

۲. طلبه حوزه علمیه قم. (bararian.ah@gmail.com)

در روزگار خطیب، آداب الحدیث، از مهم‌ترین موضوعات علم الحدیث بوده، شرط ورود دانش‌پژوهان به میدان حدیث، شمرده می‌شد. این دانشمند پُرکار، کتاب‌های متعددی در این زمینه نگاشت که «الکفایة فی علم الروایة»، «الجامع لاخلق الراوی و آداب السامع»، «الفقیه و المتفقّه» و «نصیحة اهل الحدیث» از آن جمله است.

«نصیحة اهل الحدیث» سال ۱۴۰۸ق، توسط انتشارات «مکتبة المنار، الزرقاء» در ۴۷ صفحه، با تحقیق عبد الکریم احمد الوریات چاپ شد. نویسنده، هدف نگارش این کتاب را بیان نکات عملی و نظری ضروری برای دانش‌پژوهان حدیث، شمرده است. او این نکات را در قالب ۲۵ حدیث و گزارش منقول از رسول الله صلی الله علیه و آله، خلیفه دوم، شافعی، ابوحنیفه و برخی دیگر از بزرگان اهل سنت ذکر می‌کند. همو، پس از نگارش کتاب، چکیده‌ای از آن را با عنوان «مختصر نصیحة اهل الحدیث» در پنج صفحه نگاشت. بیشتر آموزه‌های کتاب، در بردارنده سفارش‌های کاربردی برای دانش‌پژوهان بوده؛ اما برخی از نکات، جنبه نظری داشته و با هدف تبیین جایگاه حدیث و افزایش اشتیاق فراگیران، آمده است؛ نمونه آن، گزارش هجدهم یعنی گفتگویی بین ابوحنیفه و وکیع است. در این گزارش، وکیع، حدیث را جامع تمام فقه دانسته ولی ابوحنیفه دیدگاه دیگری دارد؛ در پایان، ابوحنیفه مغلوب می‌شود.

با تحلیل روش کتاب، روشن می‌شود که خطیب بغدادی، خواسته، افزون بر دادن پیام به مخاطب مبتدی، او را با آداب عملی فعالیت‌های حدیثی، آشنا کند. این شواهد عبارتند از:

الف) نویسنده با وجود گزیده‌نگاری، سلسله راویان هر حدیث یا گزارش را با عباراتی مانند: «فُلانٌ عَن فُلان»، «فُلانٌ انا»، «فُلانٌ نا»، «فُلانٌ ثنا» آورده است. او حتی برای برخی از گزارش‌ها مانند گزارش سوم، چندین طریق ذکر می‌کند.

ب) برخی از پندهای کتاب، تنها یک متن دارند؛ مانند گزارش نخست و برخی دیگر، دارای چندین متن هستند؛ مانند گزارش‌های یازدهم و دوازدهم. برخی در مقام تفسیر گزارش دیگری است؛ مانند گزارش پنجم نسبت به گزارش چهارم و برخی از مفاهیم، به هم‌پیوستگی روشنی دارد؛ مانند حدیث نهم که روایتی سلسله‌الذهب از امام رضا علیه السلام نسبت به گزارش دهم است. گویا برخی از پندها در دیدگاه نویسنده، اهمیت بیشتری داشته یا نیازمند تبیین بوده است. در حقیقت از ۲۵ متنی که در این کتاب آمده، حدود ۱۱ پند به‌دست می‌آید که عبارتند از: لزوم پرهیز از ریاست‌طلبی برای طالب فهم دین (۱)، طلب علم در سنین جوانی (۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶)، اهتمام به آموختن دانش از بزرگان مورد اعتماد (۷ و ۸)، پرهیز از مراجعه به انسان‌های شرور برای کسب دانش (۷)، پرهیز از مراجعه به افراد کم‌دانش (۷ و ۸)، اکتفا نکردن به اخذ و نقل حدیث و توجه به فهم آن

(۹ و ۱۰ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۲)، پرهیز از طلب احادیث گمراه‌کننده پیش از دستیابی به توان فهم درست حدیث (۱۱ و ۱۲)، لزوم پیروی افراد کم‌دانش از بزرگان (۱۳)، لزوم مقابله بزرگان با تفسیر دین توسط افراد کم‌دانش (۱۳)، پرهیز از عرضه خود به مردم پیش از رسیدن به دانش کافی (۱۶) و لزوم مراجعه به استاد برای یادگیری روش فهم حدیث و حل اشکالات (۲۱).
ج) نویسنده، پنجاهای خود را در قالب نقل قول‌های دیگران آورده و از زبان خویش مطلبی بیان نکرده است. این روش نیز مانند بقیه روش‌های به‌کاررفته در کتاب، جنبه تربیتی دارد. در حقیقت، خطیب، خواسته به مخاطبان بیاموزد که چگونه بر سخنان بزرگان، تکیه کرده و حتی برای حرف‌های درست خویش به دنبال مستندی از دانشمندان بگردند.